

دین اسلام

ترجمه و اقتباس از الهلال مصر

شماره (۱) سال ۴۱

مترجم جناب قاری عبدالله خان

کلمه اسلام : اصل و معنی و تطورات آن .

۱ - نظریات مختلفه

در معنی لغوی و معنی شرعی کلمه اسلام

۱ - دین پیغمبر ما (محمد ابن عبدالله) صلی الله علیه وسلم که در سنه ۵۷۱ م در مکه معظمه تولد یافته و در سنه ۶۳۲ م در مدینه منوره بقرب الهی شتافته ، از آغاز ظهور بنام (اسلام) معروف گشته . و دین را (سلم) بفتح سین و (سلم) بکسر سین نیز میگویند . ماده و صیغه این هر سه لفظ ؛ عربی است و در زبان عرب معانی حقیقی لغوی دارند . و چون نصوص (آیه و حدیث) مقدس اسلامی این الفاظ را نام از برای دین ساخته بالضرور در معنی اصلی لغوی آن تصرفی واقع شده .

در عرف علما نامهای شرعی عبارت از لفظهایی است که شرع از برای معانی وضع کرده مانند : صلوة ، زکوة ، حج ، ایمان ، کفر . گاهی نامهای متعلق بعقائد را نامهای (دینی) میگویند اصول فقه در نامهای شرعی اختلافی ذکر میکنند یعنی نامهای لغوی را که شرع استعمال کرده آیا باین استعمال از وضع اصلی بوضع تازه خروج نموده اند یا بهمان وضع اصلی خود بوده و در معانی شرعی بطور مجاز استعمال می شوند . قاضی ابوبکر باقلانی متوفی سنه ۴۰۴ هـ باول یعنی بوضع تازه قائل است . و معتزله و خوارج و فقها بدوم قائلند ، که عبارتست از استعمال الفاظ در معانی شرعی بطور مجاز .

و از بیان فوق ظاهر می شود که علمای اسلام ؛ معانی شرعی را فرع معانی لغوی و مربوط بآن میدانند . (چنانکه سیف الدین ابو الحسن علی آمدی متوفی سنه ۳۸۳ در کتاب (الاحکام فی اصول الاحکام) ج ۱ ص ۴۸ ، ۶۱ درینباب تفصیلی داده) .

۲ - مفسرین و متکلمین و لغویها و غیره معنی شرعی لفظ « اسلام » را باصل لغوی او رد میکنند . امام رازی متوفی سنه ۶۰۶ در تفسیر آیه کریمه : - ان الدین عند الله الاسلام . تمام مذاهب را جمع نموده میگوید : در معنی اسلام در اصل لغت سه وجهت است : اول عبارتست از در آمدن در « سلم » یعنی در انقیاد و متابعت . و بهمین معنی است در آیه کریمه : « ولا تقولوا لمن اتى اليكم السلم است مؤمناً سورة ۱۰ نسا مدنی ۹۱ آیه) یعنی بکسانیکه منقاد و تابع شما گشته . در « اسلام » مأخوذ است از (اسلم) بمعنی در آمدن در سلم مانند « اقطعت » بمعنی در آمدن در قحط . و اصل سلم بمعنی سلامت است سوم ابن انباری متوفی ۳۲۸ هـ میگوید : معنی مسلم ؛ مخلص است یعنی شخصیکه خالصاً لله عبادت کند و مأخوذ است ازین محاوره عرب که میگویند : « سلم الشئ لفلان یعنی خلص له » . پس معنی اسلام اخلاص دین و عقیده است از برای او تعالی . ج ۲ ص ۴۲۳ تفسیر کبیر مطبوعه خیریه سنه ۱۳۱۸ هـ .

۳ - جمهور مستشرقین میگویند : اسم اسلام رجوع میکند بمعنی طاعت و خضوع غیر ارادی یعنی مسخریت با راده قاهره ، گولد سیهر میگوید : اسلام بمعنی خضوع است یعنی خضوع مؤمن بحضرت الهی و این کلمه وافی و جامع ترین کلمات است در تعیین منزلتی که محمد صلی الله علیه و سلم در علاقه مؤمن بمعبودش مقرر کرده و دارای فصاحتی است ظاهر که هیچ کلمه باین فصاحت نبوده چه منتهای تبعیت از آن استنباط می شود و بر انسان واجب می گردد که خود را تسلیم نموده از هر حول و قوتی تبرأ جوید (عقیده اسلام و شریعت اسلام) ص ۲۰۲ از تولد نیز در فصل اسلام از دائرة المعارف الاسلامیه اشارتی به این سخن میکنند . سخنان (بانکر) در فصل اسلام از کتاب (ادیان العالم) با کلام کولد سیهر هم در هیچ چیز مخالفت ندارد .

و چون (سید امیر علی) اطلاع یافت که مستشرقین انقیاد را در تفسیر اسلام بمیل خود معنی کرده انقیاد مطلق می پندارند یعنی انقیاد با راده که تسلطش را ابداً حد و نهایتی نبوده و نه با آن تسلط احدی را موقع کسب حاصل است . ازینجهت در هر دو کتاب خود روح

اسلام و اسلام میگوید: در استعمال کلمه اسلام لغتاً و شرعاً چیزی نیست که بمعنی انقیاد مطلق و خضوع بمعنی جبر دلالت نماید طوری که اکثر علمای غرب عادتاً اینمعنی را فرض میکنند. بر علاوه سید امیر علی تقریر میکند که معنی شرعی اسلام عبارتست از رنج و مشقت کشیدن در تحری و فکر رشاد و التماس فلاح بزرگه نفس چنانچه از آیات کریمه مستنبط میشود:-

« وانا منا المسلمون وانا القاسطون فمن اسلم فاولئك تحروا رشداً » س ۷۲ - جن - مکی - ۱۴ آیه . « و نفس و ما سواها . فالفهمها فجورها و تقواها . قد افلح من زكها . و قد خاب من دساها . » س ۹۱ - الشمس - مکی ۷ آیه . و این آیات مستلزم معنی طاعت ارادی است ظاهر آ و باطناً . رشد هم عبارتست از هدایه و فلاح و عبارتست از هدایت قرآن کریم که ما را بتصدیق خبر الهی و فرمان برداری امر او رهنمون می کند . ابن قیم جوزی متوفی سنه ۷۵۱ هـ در مفتاح دار السعاده - ج ۱ ص ۴۰ - ۴۰۲ اینچنین گفته .

و از اینجا تعسف سخنان ادوار دسل بخوبی ظاهر میشود . ادوار دسل مقاله راجع باسلام داشته (ج ۷ دائرة المعارف دینی و خلیفه) و سید امیر علی بر مقاله مذکور رأی قائم نموده و بعد ها ادوار دسل رأی سید را تأویل بیجا نموده .

ادوار دسل میگوید: اگر مؤلفین اروپا لفظ (اسلام) را بمعنی فرمانبری کامل میگیرند (یعنی فرمانبری کامل با اراده الهی در تمام شیون عقائد و احکام) این تعبیر محض از برای وسعت است در فهم معنی لفظ و اگر نه اسلام بر معنی مخصوص تر از انقیاد و فرمانبری مطلق دلالت دارد یعنی بر انقیاد عملی دلالت میکند و مشار الیه این قول سید امیر علی را در اسلام تحری و فکر رشاد است ، شاهد می آرد .

بعد ها ادوار دسل میخواهد آنچه در قرآن از لفظ اسلام و مشتقات آن آمده همه را بمعنی انقیاد ظاهر و طاعت جوارح و اندام بگیرد و پندارد که مفسرین ظاهر ادراستعمال لفظ بمعنی ظاهری اجماع کرده اند و میگوید کلمه (اسلام) در سوره هاتی که اول نزول یافته نیامده بی هشت بار کلمه اسلام مکرر شده شش در سوره های مدنی و دو در سوره های اخیر مکی و رجوعش بآن میشود که ارکان عملی بطور قاطع از اجزای دین نبوده تا آنکه محمد

(صلی الله علیه وسلم) دین خودش را در مدینه تکوین داد و وجود بخشید . خلاصه هر گاه بنظر محمدیه (صل الله علیه وسلم) در اسلام نگاه شود خیلی از حسن و جمال روحیش که عبارتست از خضوع کامل باراده الهی کم و کاست می شود و بلکه مبدأ یهودیت را تأیید میکند چه یهودیت میگوید :

روح شریعت اهمیتی ندارد بلکه تنها رعایه ادای صوری واجبات ظاهر مهم است .
و اگر ادوار دسل دعوی میکند که از مفاد کلام سید امیر علی معلوم می شود که اسلام تنها خضوع جوارح است بدون خضوع قلب ؛ از کتابهای سید ابدآ چیزی استنباط نمیگردد که مؤید آن شود . و آنکه میگوید : ما ل کلمة اسلام و مشتقات آن در قرآن بمعنی انقیاد ظاهر و طاعت بدنی است هم اساسی ندارد زیرا تمام لفظ اسلام و مشتقات آن که در قرآن مقابل و مخالف ایمان ذکر یافته در سه آیه است اگر به (حجج القرآن) ابو فضل احمد ابن مظفر رازی حنفی به بینیم و در واقع چهار آیه است زیرا حجج القرآن آیه (۵) سوره تحریم مدنی را شمار نکرده و اینک میگوید : - مفسرین بطور اجماع لفظ اسلام را در معنی ظاهری استعمال کرده اند نیز صحیحی ندارد چنانچه بر مطلقین تفسیرهای مختلفه ظاهر است تأییدش در ذیل میشود - و نیامدن لفظ اسلام در سوره های اول نتیجه برای مؤلف نمیدهد .
زیرا صیغه اسم فاعل از (اسلام) درسی و نه آیه وارد گشته که ۲۴ آیه مکی و ۱۵ آیه مدنی است و بعضی از این آیه های مکی در سوره هائیکه که نزولش پیش بوده مانند آیه های ذیل :-

- ۱ - و افجعل المسلمین کالمجرمین ، این آیه از سوره نون است که مکی است و دو مین سوره است در ترتیب نزول قرآن چنانکه صاحب فهرست از نعمان ابن بشیر نقل کرده .
- ۲ - آیه ۱۴ از سوره جن و درین آیه اسم فاعل و فعل ماضی هر دو ذکر یافته . (سوره جن هم مکی است) کاردی فونیز در معنی و اصل کلمه اسلام نظریه داشته و بر وجه آتی بیان کرده :-

(۱) درین آیه ها اسلام بمعنی عمل ظاهر است و ایمان بمعنی تصدیق آمده .

(۲) در حدود سنه ۶۳۰ هـ تالیف یافته .

پیروان ابراهیم را (علیه السلام) حنیف می نامیدند . حنیف بمعنی مائل است . پیروان ابراهیم از بت پرستی که در آفاق فاش گشته بود میل کرده کناره جستند . یا آنها را مسلم میگفتند با این معنی که توحید خالص را تجدید و صیانت کردند چه مسلم بمعنی شخصی است که تجدید و صیانت یک چیز را بسلاحتی نماید . و تفسیر کردن (مسلم) را به مستسلم لله (فرمانبر خدا) یا تسلیم کننده نفس از بهر او تعالی ، معنی است که بتصرف نزدیک تر است تا بمعنی اصلی (کارادی فومفکرین اسلام ص ۵۵ ج ۳) این رأی از جنبه لغوی نیکو نمی نماید زیرا نه در ماده اسلام و نه در صورتش چیزی مؤید آن یافت نمیشود اگر باقتضای اصول لغت و قواعد اشتقاق نظر شود و از معنی این لفظ تجدید و صیانت هم نیست و نه صیغه افعال (اسلم) مفید یکی ازین دو معنی می گردد .

ب - نظریه راجحه

در معنی لغوی و معنی شرعی کلمه اسلام .

ارباب لغت در ماده (سلم) و صیغه های مختلفه آن معانی ذکر کرده اند . برمتامل اصل و فرع آن ظاهر گشته میداند کدام معنی اصل و کدام فرع میتواند شد . بلی کتب معتبره لغت مانند : کتاب اشتقاق ابن درید صحاح جوهری ، المفردات فی غریب القرآن ، لسان العرب ابن منظور و مصباح منیر ابن فیومی می نویسند که : - (سلام) به کسر سین و (سلم) بکسر لام سنگ سخت را میگویند از جهتی که سالم است از رخت و خاوت و نرمی و (سلمه) مفرد آنست . استلام (۱) (بروزن افتعال) هم از (سلمه) اشتقاق یافته . و نیز (سلم) بفتحین درختی است بزرگ خار دار و برکش را قرظ گویند و دباغت چرم بآن می شود . - گویا برای درخت مذکور همین نام گذاشتند از سببی که بزعم عرب درخت موصوف از آفتها سالم است . و چون پوست را به (سلم) دباغت کنند ، (سلمت (۲) الجلد) میگویند که از همین سلم اشتقاق میشود و شاید برای ماده سلم همین معانی اصل نخستین و دیگر معانی

(۱) یعنی استلام حجر اسود .

(۲) از ضرب ، یضرب

فرع باشند . چه این معانی ، از امور مادی محسوسی است و بحیات بدوی نزدیک تر است و شاید که در وضع معنی مجرد اصل باشد . بعد ها عزب از معانی فوق دیگر معانی وضعی حقیقی پیدا کردند و در همه مانند معانی اول ؛ معنی خلوص ملحوظ است بر وجه ذیل :

(۱) بمعنی خلوص از شوائب ظاهر یا باطن . معاجم اللغت می نویسد : سلم بفتح

اول و سکون دوم و سلام و سلامه بمعنی خالص و عاری شدن است از آفتهای ظاهر و باطن .

۲ — معنی صلح و امان . ارباب لغت میگویند : سلم و سلم بکسر و فتح سین دو لغتست در

صلح و مانند (سلام) گاهی مذکر و گاهی مؤنث استعمال می شوند .

۳ — بمعنی طاعت و انقیاد : (سلم) بفتح تین و سلم و سلم بفتح و کسر هر سه در کتب

لغت بمعنی کردن نهادن ، انقیاد و طاعت آمده .

سلام از اسمای حسنی و سلام بمعنی تحیت و دعا را نیز ارباب لغت بمعنی خالصی و سلامتی

میگیرند یعنی از سختیها و آفتها . سلم بمعنی سلف هم اگر باین معنی رد شود چندان دشوار نمینماید .

فعل (اسلم) از باب افعال در لغت دو نوع مستعمل شده : (۱) لازم (۲) متعدی .

فعل لازم بمعنی درآمدنست در سلم یعنی در صلح و طاعت . علمای صرف میگویند که - باب

افعال لازم بمعنی در آمدن در یک چیزی آید مانند اقمطت (در آمدم بقحط) اعرفت

بعراق در آمدم .

مکر فعل متعدی ؛ فاعل فعل را مفعول می سازد مانند : اسلم الشیء لفلان که لفظ شی

مفعول واقع گشته و در سلم الشیء لفلان فاعل بوده و معنی اسلم و سلم یک چیز است .

لفظ (اسلام) مصدر اسلم لازم باشد یا متعدی مانند فعل خود بتمام معنی های سابق دلالت

میکند اصل معنی لغت (سلم) و فرعش همه در فوق بیان گردید ، و در قرآن کریم صیغه های

بسیار ازین ماده در معانی لغوی خود استعمال یافته از جمله بمعنی خالصی و پاکیزگی از شوائب

ظاهری و باطنی درین آیه است از سوره بقره (قال انه يقول انها بقره لا ذلول تیر الارض

ولا تسقی الحرث مسلمة لاشیه فیها)

و در این آیه از سوره شعرا : - الامن اتی الله بقلب سلیم (۱)

(۱) در رکوع پنجم سوره شعراست این سوره مکی و سوره ۲۶ است .

در آیات دیگر نیز باین معنی آمده - و بمعنی صلح در آیه های ذیل است (فلا تهنوا و تدعوا الی السلم و اتم الاعلون و الله معکم) آیه ۳۵ از سوره ۴۷ - محمد - مدنی
 ۲ - (و ان جنحو للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم) آیه ۶۱ از سوره ۸ انفال
 بعضی صیغه های این ماده در قرآن بمعنی انقیاد و خضوع نیز مستعمل گشته ما تند این آیه از سوره صافات بل هم الیوم مستسلمون (۱)

۳ - لفظ اسلام و صیغه های مشتقه اش از فعل و وصف بمعنی مخصوص شرعی نیز در قرآن استعمال شده و در آن معنی شرعی اختلاف نموده و سه مذهب گشته اند بوجه ذیل .

۱ - بعضی اسلام را ایمان گویند و معنی ایمان بانفاق از باب علم (از لغویها و غیره) تصد یقتت چنانچه در لسان العرب آمده . امام رازی بهمین مذهب است و آیه (ان الدین عند الله الاسلام) را دلیل گرفته و در تفسیرش مذکور است .

ب - بعضی گویند اسلام در زبان شرع بدو معنی اطلاق می شود : اول ؛ ایمان دوم . بمعنی عامتر از ایمان یعنی مطلق انقیاد ظاهری باشد یا از صمیم دل . و این مذهب را امام نووی در شرح مسلم از خطابی نقل کرده .

و بعضی از قارئین همین مذهب اسلام را موافق راغب اصفهانی تفسیر کرده میگویند : یک معنی آن ایمانست و ایمان عبارتست از اعتراف بزبان و معنی دوم فوق تراست از ایمان یعنی اعتراف بزبان و اعتقاد بدل و وفا بفعل و تسلیم بحضرت الهی در تمام مقتضیات قضا و قدر .

ج - بعضی گویند اسلام شرعاً بر سه معنی اطلاق می شود و امام غزالی در احیای بر همین رفته و بوجه آتی است :-

اولاً - اسلام بمعنی انقیاد ظاهری است بزبان و جوارح ؛ و ایمان تنها تصدیق قلب است و بنا برین اسلام و ایمان باهم اختلاف داشته .

ثانیاً - اسلام عبارتست از تسلیم محض چنانچه بدل و قول و عمل تماماً تسلیم گردد و ایمان تصدیق دل است و بنا برین ایمان خاص تراست از اسلام .

ثالثاً - ایمان و اسلام هر دو عبارتست از تسلیم کلی هم بدل و هم بظاهر و بنا برین ایمان

(۱) استسلام :- کردن نهادن . صراح .

و اسلام با هم مرادفند .

۳ - این اختلاف در بین فرق اسلامی تاثیر قوی نموده چنانچه مسئله کفر صاحب کبیره هم از تباطی باین اختلاف داشته . اشعریها به هیچکس از اهل قبله هر طور گناه هم کرده باشد نسبت کفر نمیکنند مگر در صورتیکه شخص مرتکب همان گناه را حلال شمرده و معتقد به تحریم آن نباشد بر خلاف خوارج که میگویند صاحب گناه کبیره کافر میشود و ایمانش زوال مییابد .

قدریه و معتزله می گویند : صاحب کبیره از دائره ایمان خارج میشود ولی بکفر داخل نمیکردد و بنابراین در بین کفر و ایمان باشد . ابانۀ اشعری ص ۱۰ و شرح فقه اکبر ابو منصور ماتریدی مترقی سنه ۳۳۳ هـ ص ۲ - ۴ طبع هند .

بلکه فرقه های اسلام مسئله معنی شرعی اسلام و ایمان را صریحاً از اساس نزاع قرار داده اند اشعری در ابانۀ ص ۱۰ میآورد : ما میگوئیم که اسلام نسبت بایمان وسعتی داشته و هر اسلام ایمان نباشد .

طبرسی شیعه در تفسیر مجمع البیان میگوید : اسلام و ایمان هر دو بنزد ما و معتزله یکی است ص ۱۷۵ ج - ۱ - طبع فارس .

اختلاف درین مسئله حقیقه از موشکافیها و دقائق بحث فرقه های اسلامی است چنانکه

آن را از حقیقت بجانب صانع کشانده اند .

۴ - ولی میخوراند برای این اختلاف سببی هم از خورد قرآن پیدا کنند چه در بعضی آیات

اسلام مقابل و مغائر ایمان واقع شده و از بعض آیات مرادف بودن هر دو معلوم میگردد .

از جمله آیه های مشعر به تغائر بوجه ذیل است .

۱ - قالت الاعراب آما قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل الايمان في قلوبكم .

آیه ۱۴ از سوره حجرات - مدنی سوره ۴۹

۷ - عسى ربه ان يطلعن ان يبدلهن ازواجا خيرا منكن مسلمات مؤمنات ، سوره

تحریم مدنی ۶۶

۳ - ان للمسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات والقانتات ،

سورة احزاب مدنی .

۴ - و الذين آمنوا باياتنا وكانوا مسلمين . سورة زخرف - مکی .

و آیه های مشعر بترادف اینهاست : قال موسى يقوم انکنتم آنتم بالله فعلیه توکلوا ان کنتم مسلمین آیه ۸۴ از سورة یونس که ۱۰ و مکی است .

۲ - و فاخرجنا من كان فيها من المؤمنين . فما وجدنا فيها غیر بیت من المسلمین ، و سورة زاریات مکی

۳ - و یمنون علیک ان اسلموا قل لا تمنوا علی اسلامکم بل الله یمن علیکم ان هداکم للإیمان ان کنتم صادقین . سورة حجرات مدنی و ۴۹ .

و از بهر حل این اشکال ؛ در زبان شرع برای (اسلام) معانی مختلفی مقرر نمودند و چندان حاجت نبود چه قرآن کریم از ماده (سلم) صیغه های بسیاری استعمال کرده همه بمعنی لغوی مطابق با استعمال عرب ولی برای لفظ (اسلام) و مشتقاتش يك معنی شرعی تازه هم پیدا کرده و در آیتهای متعدد استعمال یافته و آن معنی عبارتست از توحید و اخلاص نفس تنها بار تعالی که هیچکس را در عبادت شریک او نداند و اله نگوید و این معنی از معنی لغوی او که خالصی و سلامتی است ، اخذ شده . این درید در کتاب اشتقاق ج - ۱ - ص ۲۲ میگوید : اشتقاق لفظ مسلم از این قول عرب است که میگوید اسلمت لله (یعنی ضمیر تسلیم او شده) ولی سائر استعمالاتی این ماده در قرآن لغوی است و بر اوضاع و استعمالاتی حقیقی عرب جریان یافته بیانات زنجیری در تفسیر و ان الدین عند الله الاسلام . مفید مطالب فوق است .

۵ - گفتیم که معنی شرعی اسلام ؛ همین توحید و اخلاص ضمیر است بحضرت الهی و این معنی دلائل بسیاری داشته بوجه آتی :-

(۱) قرآن ثابت میکند که : دین بزبان جمیع انبیای کرام یکی است و عبارتست از ایمان آوردن با موری که ایمان بآن واجبست . مگر شرائع یعنی احکام اختلاف پذیرفته چنانچه آیه کریمه است : شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم

و موسی و عیسی ان اقموا الدین و لا تتفرقوا فيه کبر علی المشرکین ما تدعوهم الیه . الله یجتبی الیه من یشاء و یرید الیه من ینیب . آیه ۱۳ از سوره شوری که . مکی و سوره ۲۲ است . رجوع به تفسیر طبری و کشف و رازی و بیضاوی .

۲ - اولئك الذین هدی الله فیداهم اقتده قل لا استلکم علیه اجرا ان هو الا ذکرى للعلمین) آیه ۹۰ از سوره انعام مکی و ۶ - رجوع بکشف .

۳ - وانزلنا الیک الکتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتاب و مهیناً علیه فاحکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع اهواءهم عما جاءک من الحق لکل جعلنا منکم شرعة و منها جاء . آیه ۴۸ از سوره مائده که مدنی و سوره بنجم است رجوع به تفسیر طبری و کتاب مفتاح دار السعاده نخستین طبع مصر ج ۲ ص ۱۲۶ - ۱۲۷ و حجة الله البالغه ج ۱ ص ۶۸ - ۶۹ .

قرآن کریم دین الهی را اسلام نام گذاشته و این دین یکی است چنانچه هیچ مذسوخ نشده و باختلاف انبیا مختلف نگشته و از آیات ذیل مطلب فوق برمی آید : - ان الدین عند الله الاسلام و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب . فان حآجوک فقل اسلمت و جیبی لله و من اتبعن . و قل للذین اوتوا الکتاب و الامیین اسلمتم فان اسلموا فقد اهتدوا و ان تولوا فانما علیک البلاغ و الله بصیر بالعباد . از سوره آل عمران است که مدنی و سوره سوم است - آیه ۱۹ - ۲۰ رجوع بکشف و دیگر آیه سوره مائده است که مدنی است و روز عرفه در حجة الوداع نزول یافته و میگویند پیغمبر صلی الله علیه و سلم بعد از هشتاد و هشت روز از نزول آن وفات کرده و عبارتست از آیه و الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی . از آیات فوق ظاهر است که دین همین اسلام است و اسلام آشکار ساختن قواعد عقائد و توقیف بر اصول شرانح است و این قواعد و اصول در قرآن تکمیل یافته .

اما احکام عملی بسبب اختلاف پیغمبرها و امتها اختلاف مییابد و گاهی بتغیر مضان تغیر می پذیرد و قرآن احکام عملی را بطور اجمال جمع کرده یعنی اصولی چند بیان نموده که این احکام ازان استنباط می شود و تا ان نزول آیه فوق هنوز تکمیل نیافته بود . رجوع بتفسیر

آیه (الیوم اکملت لکم) در میضای و موافقات شاطبی ص ۶۲ از ج ۳ و ص ۱۱۱ - ۱۱۷ ج ۴ از بیان فوق ثابت میشود که دین در عرف قرآن کریم همین ایمان آوردن است با اصول دین و اصول دین حقائق است ثابت و جاوید که نه نسخ را در آن مدخلی است و نه پیغمبران (علیهم السلام) در آن اختلاف کرده اند و اسلام عبارتست از همین دین زیرا دین پسندیده الهی فقط همین دین است و بس.

(وجه دوم) صیغه (اسلام) که در قرآن آمده (مضاف و بدون) آن در هشت آیه است

۱ - فمن یرد الله ان یمدیة یشرح صدره للاسلام . . . سورة انعام مکی آیه ۱۲۵

۲ - افمن یشرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه) سورة زمر مکی آیه ۳۹

۳ - ومن اظلم من افتری علی الله الکذب و هو یدعی الی الاسلام و الله لایهدی القوم الظالمین (. سورة صف مدنی آیه ۷) در هر سه آیه فوق اسلام بمعنی ایمان است و ایمان تفسیر آن می شود بدلیل این سه آیه ذیل :

۱ - یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا کلمة الکفر و کفروا بعد اسلامهم . و هموا بما لم ینالوا . . .

سورة توبه - مدنی - آیه ۷۴ . زیرا اسلام درین آیه در مقابل کفر ذکر یافته . و در آیه : - ولا یامرکم ان تتخذوا الملائكة والنیین اربابا . یا امرکم بالکفر بعد اذ انتم مسلمون و آیه ربما یود الذین کفروا او کانوا مسلمین . اسم فاعل اسلام مقابل کفر ذکر شده .

و در چند آیه دیگر اسلام در مقابل شرک ذکر یافته و از آنجمله است آیه (ما کان ابراهیم یهودیا ولا نصرانیا . ولکن کان حنیفا مسلماً و ما کان من المشرکین) سورة آل عمران مدنی - آیه ۶۷

۲ - قل اغیر الله اتخذ ولیاً فاطر السموات والارض و هو یطعم ولا یطعم . قل انی امرت ان اکون اول من اسلم ولا تكونن من المشرکین .

و از آیه های مدنی است : (یمنون علیک ان اسلموا . . .) که از سورة حجرات است و

(کتاب حجج القرآن) آنرا در بحث توحید اسلام و ایمان بطور دلیل آورده . و دو آیه از

سورة آل عمران است بدین ترتیب (ان الدین عند الله الاسلام . . .) (و من یتبع غیر الاسلام

دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین) و آیه (الیوم اکملت لکم دینکم . . .)

از سورة مائده .

در تفسیر آیه های فوق زبخشری و سائر مفسرین میگویند : (اسلام) درین آیه ها عبارتست از توحید و اسلام وجه بحضرت الهی . و ازین معلوم می شود که لفظ اسلام در قرآن فقط بمعنی شرعی خود آمده و مرادف است با ایمان .

۴ - قرآن پیر و ان محمد را (صلی الله علیه و سلم) در چند آیه ، الذین آمنوا ، ودر چند آیه (مسلمین) نام مانده و ازان برمی آید که معنی اسلام و ایمان یکیست و اختلافی نداشته از انجمله است : - ان الذین آمنوا ، و الذین هادوا و النصارى و الصابئين من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ، سورة بقره و آیه (ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئون و النصارى من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون ، سورة مائده .

ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئين و النصارى و الذین اشرکوا ان الله یفصل بینهم یوم القیمة . ان الله علی کل شیء شهید . از سورة حج . مدنی .
و آیه وجاهدوا فی الله حق جهاده ، هو اجتباکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج . ملة ایکم ابراهیم هو سماکم المسلمین من قبل و فی هذا

و آیه ، یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون . .
۶ - اسلام در عرف قرآن عبارتست از (قواعد اصولیه) که تصدیق و ایمان آوردن بآن واجبست و قواعد مذکور را قرآن کریم کاملاً جمع کرده و ازینجهت مشهور و معروفست که اسلام همان عقائد و احکامیست که خدایتعالی در قرآن به پیغمبرش وحی کرده و فرموده که بهر دم بیانش کند چنانکه آیه کریمه بآن اشاره میکند که : و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم . . .
و هر یک از اسلام و دین شامل اصول اعتقادی و فروع عملی هر دو گردیده و دین را مسلمانها چنین تعریف کرده اند : دین ؛ وضعی است الهی که ذوی العقول را بصلاح حال و فلاح مآل سوق میدهد بسببی که دین را اختیار میکنند . تعریف فوق شامل عقائد و اعمال هر دوست (۱) و تا امروز مسلمانها دین را باصول و فروع قسمت میکنند . قسمتی معرفت که اصل دین است و قسمتی طاعت که فرع است . و میگویند : عقائد یقینی است و ازینجهت

(۱) کشف اصطلاحات الفنون .

ثبوتش هم باید بطریق باشد که قطعی و یقینی بوده باشد و این طریق قطعی یقینی تنها قرآن است
اجمالاً و تفصیلاً . بلی در احکام عملی ظن و گمان کفایت میکند . شرح مواقف ج ۱ - ص ۳۸
موافقات ج ۴ ص ۳ .

و گویند : نسخ در مسائل علم کلام نمیباشد و در مسائل فقه میباشد .

اختلاف در شیرون احکام عملی بین مسلمانها مانند اختلاف امور اعتقادی نیست و خطری
ندارد . و آرای مختلفه در احکام را مذاهب میگویند . پیروان هر مذهبی اعتقاد دارند که
مذهب خودشان ، صوابست و احتمال خطا دارد و مذهب غیر خطاست مگر احتمال صواب
داشته بلکه بنظریه بعضی حق در مسائل اجتهادی متعدد میباشد یعنی خدایتعالی مردم را
ببذل جهد مکلف فرموده تا بکوشش و فکر حکم حق و صواب را بیابند و چون پس از فکر
و کوشش امری را حق دانستند امر مذکور نسبت بخودشان واقعاً حق بوده عدول از آن
روا نیست . اما در امور اعتقادی اختلافی نیست که سبب تفرقه و تکفیر در بین مسلمانها شود .
در مسئله های اعتقادی حق یکی است و غیر آن باطل است . نیکوترین فرضها برای
شخصیکه اعتقاد باطل دارد عذر آوری است از عقیده باطل خردش تا از عذاب آن نجات
یابد . (فصول البدائع فی اصول الشرائع) ج ۷ ص ۴۱۷ - ۴۲۴ .

نفس اعمال بدنی را باعتبار صورت ظاهری ابدی قیمتی نباشد بلکه قیمتش وابسته به
نیت و هیئت نفسا نیست که مصدر اعمال است . (رجوع بحجة الله البالغة) ج ۱ ص ۴
و از آیه کریمه « لَنْ يَنْصَلَ اللَّهُ لِحُرْمَتِهَا وَلَا دِمَائِهَا وَلَكِنْ يَنْصَلُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ ... »
سوره حج .

و حدیث مشهور (انما الاعمال بالنیات) بالنیات و انما لكل امری ما نوى) نیز برمی آید که ثواب
اعمال وابسته به نیت بوده صورت ظاهرش را اعتباری نباشد .

(شیخ مصطفی عبد الرزاق)

(۱) حدیث فوق را قسطلانی متواتر میداند ، امام شافعی و احمد میگویند : ثاب علم درین حدیث داخل
می شود و از حدیثهای است که میتوان مدار اسلامش گفت و از بیجهت بر عتران اکثر کتب حدیث گردیده .